

متن آهنگ Someone Like You به همراه ترجمه

I heard that you're settled down
شنیدم که سر و سامان گرفتی (تشکیل خانواده دادی)

That you found a girl and you're married now
که یه دختر پیدا کردی و حالا دیگه ازدواج کردی

I heard that your dreams came true
شنیدم که آرزوهات برآورده شده

Guess she gave you things I didn't give to you
لابد اون چیزایی رو بهت داده که من نتونستم بهت بدم

Old friend, why are you so shy?
رفیق قدیمی، چرا اینقدر خجالت می‌کشی؟

Ain't like you to hold back or hide from the light
بهت نعیاد که خودتو عقب بکشی یا از تو چشم بودن قایم بشی

I hate to turn up out of the blue, uninvited
متنفرم از اینکه یهو مثل جنِ بسم‌الله، بی‌خبر و دعوت‌نشده پیدام بشه

But I couldn't stay away, I couldn't fight it
اما نتونستم دور بمونم، نتونستم با این دلم بجنگم

I had hoped you'd see my face
امیدوار بودم صورتم رو ببینی

And that you'd be reminded that for me, it isn't over
و یادت بیاد که برای من، این قصه هنوز تموم نشده

Never mind, I'll find someone like you
فدای سرت، منم یکی مثل تو رو پیدا می‌کنم

I wish nothing but the best for you, too
منم برات چیزی جز بهترین‌ها آرزو نمی‌کنم

"Don't forget me, " I begged
التماس کردم که: "منو فراموش نکن"

I remember you said
یادمه که گفتی:

"Sometimes it lasts in love, but sometimes it hurts instead"
"عشق گاهی موندگاره، اما گاهی هم فقط درد و زخم به جا میذاره"

Sometimes it lasts in love, but sometimes it hurts instead
عشق گاهی موندگاره، اما گاهی هم فقط درد و زخم به جا میذاره

You know how the time flies
خودت می‌دونی که زمان چطوری مثل برق و باد می‌گذره

Only yesterday was the time of our lives
انگار همین دیروز بود که بهترین روزای عمرمون رو داشتیم

We were born and raised in a summer haze
ما تو حال و هوای گرم و مه‌آلود تابستون جوونی قد کشیدیم

Bound by the surprise of our glory days
و با شگفتی روزای اوجمون به هم گره خورده بودیم

I hate to turn up out of the blue, uninvited...
متنفرم از اینکه یهو بی‌خبر و دعوت‌نشده پیدام بشه...

Never mind, I'll find someone like you...

فدای سرت، منم یکی مثل تو رو پیدا می‌کنم...

Nothing compares, no worries or cares

هیچ چیزی با اون روزا قابل مقایسه نیست، نه غصه‌ای بود نه نگرانی‌ای

Regrets and mistakes, they're memories made

حسرت‌ها و اشتباهات، حالا دیگه فقط یه هشت خاطرهن

Who would have known how bittersweet this would taste?

آخه کی فکرشو می‌کرد که این ماجرا یه همچین طعم تلخ و شیرینی داشته باشه؟

Never mind, I'll find someone like you...

فدای سرت، منم یکی مثل تو رو پیدا می‌کنم...